

Heinz Halm, *Kosmologie und Heilslehre der frühen Ismā'īliya*, Wiesbaden 1978; S.M. Stern, *Studies in early Ismā'īlism*, Jerusalem 1983.

/ ویلفرد مادلونگ /

**السابقون**، تعبیری قرآنی به معنای پیشگامان در انجام دادن کارهای خیر و طاعت الهی. سابقون صیغه جمع مذکر و اسم فاعل است از مصدر سَبَقَ به معنای پیشی گرفتن (← ازهری؛ ابن منظور، ذیل «سبق»). سَبَقَ در مقابل لُحِقَ در اصل ریشه به معنای پیش‌افتادن در راه است و در معنای مجازی درباره هر پیشی گرفتن و تقدم‌یافتنی نیز به کار می‌رود، مانند تعبیر «ما سَبَقُونَا إِلَيْهِ» (در پذیرش اسلام بر ما پیشی نمی‌گرفتند) در آیه ۱۱ سوره احقاف. همچنین در معنای استعاری و برای اشاره به کسب فضائل و برتری بر دیگران به کار رفته است، مانند عبارت «و السابِقون السابِقون» در آیه ۱۰ سوره واقعه (← خلیل‌بن احمد؛ راغب اصفهانی؛ ابن منظور، ذیل «سبق»؛ نیز ← مصطفوی، ذیل «سبق»). استباق از همین ریشه و به معنای مسابقه‌دادن و پیشی گرفتن بر یکدیگر است، مانند «أنا ذهبنا نَسْتَبِقُ» (ما برای مسابقه‌دادن رفتیم؛ یوسف: ۱۷) ← راغب اصفهانی، همانجا).

از ۳۷ مرتبه‌ای که سَبَقَ و مشتقات آن در قرآن کریم آمده (← محمدفؤاد عبدالباقی، ذیل «سبق»)، هشت مورد آن به صورت اسم فاعل «سابق» است و در همه این موارد معنای پیشی گرفتن وجود دارد. از این هشت مورد، دو آیه به مسلمانان برای پیشی گرفتن بر هم در خیرات توصیه می‌کند (← بقره: ۱۴۸؛ مائده: ۴۸)، یک آیه انسانها را به پیشی گرفتن بر هم برای کسب بخشایش پروردگار و رسیدن به بهشت فرامی‌خواند (حدید: ۲۱) و پنج آیه دیگر درباره اوصاف برخی از «سابقون» است، یعنی کسانی که در ایمان آوردن مقدم بودند (حشر: ۱۰)، نخستین مسلمانان از مهاجران و انصار (توبه: ۱۰۰)، وارثان کتابهای آسمانی (فاطر: ۳۲) و بعضی از مؤمنان و مقربان (مؤمنون: ۵۷-۶۱؛ واقعه: ۱۰). بنابراین، واژه سابقون در قرآن به طور کلی برای وصف کسانی به کار رفته است که در نیکبها (خیرات) جلودارند، به ویژه در ایمان آوردن یا در عمل کردن به دستورهای کتب آسمانی. براساس آیه‌های قرآن، ویژگیهای سابقون با ویژگیهای مؤمنان حقیقی یکسان است؛ مثلاً مطابق آیه‌های ۵۷-۶۱ سوره مؤمنون، آنها که در کارهای نیک شتاب می‌کنند و در آن بر دیگران سبقت می‌گیرند،

جهان واقع، با قدر یکی دانسته و اصل مؤنث یعنی نفس را در مرتبه بعد قرار داده است (نیز ← استرن، ص ۱۴؛ هالم<sup>۱</sup>، ص ۶۷-۷۱).

شواهدی از تطور مفهوم اسماعیلی سابق و تالی را می‌توان در نوشته‌های جدلی زیدیان یافت. در این منابع، که در برخی جزئیات حتی مکمل گزارشهای خود اسماعیلیه محسوب می‌شوند، از این مفهوم روایتی غلط به دست داده می‌شود که زیدیه آن را مبنای انتساب اسماعیلیه به تثویت و مذهب دهری قرار داده‌اند. از جمله در نقل نُؤیری (ج ۲۵، ص ۲۱۱-۲۱۲) از اخو محسن آمده است که برخی اسماعیلیان علت پیدایش ثانی از سابق را اندیشه‌ای عارض بر مبدأ می‌پنداشتند و به همین گونه اندیشه سابق را علت وجود تالی می‌دانستند، و این شبیه عقیده مجوس در باب تولد اهریمن از «قدیم» بود (برای روایت زیدی دیگر ← دیلمی، ص ۲۴، ۳۴-۳۵).

غزالی (متوفی ۵۰۵) نیز در کتاب *فضائح الباطنیة* یا *المستظهری* (ص ۳۸) از سابق و تالی به «دو الاله قدیم» که اولی علت دومی است، تعبیر کرده است. وی (ص ۴۰) تأکید می‌کند که باطنیان چون به دو خدای نور و ظلمت ثنویان و مجوس قائل شدند، به «کفر رقیق شده» گرفتار آمدند.

در کیهان‌شناسی مذهب دروزی، مفاهیم اسماعیلی سابق و تالی به صورت دیگری به کار گرفته شده‌اند. در میان پنج حد یا اصل روحانی، عقل و نفس در رأس قرار می‌گیرند و سابق و تالی به مرتبه چهارم و پنجم، پس از عقل و نفس و کلمه، تنزل می‌یابند. تالی واپسین جوهر علوی است که مبدأ آفرینش افلاک و زمین و طبایع و هیولا محسوب می‌شود. دروزیان برای این حدود، مظاهری بشری قائل بودند، چنان‌که هریک از آنها را بر یکی از پنج پیشوای خود تطبیق می‌دادند. اما در *رسائل الحکمة* (ص ۱۸۷) عقل با سابق، و نفس با تالی یکی گرفته شده است، چنان‌که گاهی میان سابق و تالی روحانی و جسمانی تفکیک شده، و سابق حقیقی همان عقل و امام اعظم دانسته شده است.

منابع: محمدبن حسن دیلمی، بیان مذهب الباطنیة و بطلانه، منقول من کتاب قواعد عقائد آل محمد، چاپ ر. اشترتومان، استانبول ۱۹۳۸؛ رسائل الحکمة، لحمز بن علی، اسماعیل تمیمی، و بهاء‌الدین سموقی، دیار عقل، لبنان: دار لاجل المعرفة، ۱۹۸۶؛ ابویعقوب اسحاق بن احمد سیجستانی، کتاب الافتخار، چاپ اسماعیل قربان حسین پوناوالا، بیروت ۲۰۰۰؛ محمدبن محمد غزالی، فضائح الباطنیة، چاپ عبدالرحمان بدوی، قاهره ۱۳۸۳/۱۹۶۴؛ احمدبن عبدالوهاب نُؤیری، نهاية الارب فی فنون الادب، قاهره [۱۹۲۳] - ۱۹۹۰؛

1. Halm

2. Wilfred Madelung

180033  
SABIKUN

254. Hälidî, Şalâh 'Abd-al-Fattâh al-: Ma'a qişaş as-sâbi-  
qîn fi 'l-Qur'an : durûs fi 'l-îmân, wa'd-da'wa, wa'l-ğihâd /  
Şalâh 'Abd-al-Fattâh al-Hälidî. - Dimasq : Dâr al-Qalam. -  
(Min kunûz al-Qur'an ; ...)

Inhalt: Zs.stellung u. Interpretation d. Erzählungen im Ko-  
ran. - Arab. in arab. Schr. 29 A 18856

1. - Tab'a 1. - 1988 = 1409 h. - 347 S. - (... ; 5)  
29 A 18856-1

2. - Tab'a 1. - 1989 = 1409 h. - 368 S. - (... ; 6)  
29 A 18856-2

3. - Tab'a 1. - 1989 = 1409 h. - 336 S. - (... ; 7)  
29 A 18856-3

05 OCAK 1994

X

SABIKUN

28 NISAN 1993

89-964186

Khälidî, Şalâh 'Abd al-Fattâh.  
(Ma'a qişaş al-sâbiqîn fi 'l-Qur'an)  
مع قصص السابقين في القرآن  
: دروس في الإيمان، والدعوة، والجهاد /  
صلاح عبد الفتاح الخالدي. - الطبعة  
1. - طيبونسي، دمشق : دار القلم،  
1988-1989

3 v. ; 24 cm. --  
(من كنوز القرآن : 5-7)

Includes bibliographical  
references.

\$18.00 (U.S. : set)  
L&S-Islam.

X

97. Hälidî, Şalâh 'Abd-al-Fattâh al-: Ma'a qişaş as-sâbi-  
qîn fi 'l-Qur'an : durûs fi 'l-îmân, wa'd-da'wa, wa'l-ğihâd /  
Şalâh 'Abd-al-Fattâh al-Hälidî. - Dimasq : Dâr al-Qalam. -  
(Min kunûz al-Qur'an ; ...)

Inhalt: Zs.stellung u. Interpretation d. Erzählungen im Ko-  
ran. - Arab. in arab. Schr. 29 A 18856

1. - Tab'a 1. - 1988 = 1409 h. - 347 S. - (... ; 5)  
29 A 18856-1

2. - Tab'a 1. - 1989 = 1409 h. - 368 S. - (... ; 6)  
29 A 18856-2

3. - Tab'a 1. - 1989 = 1409 h. - 336 S. - (... ; 7)  
29 A 18856-3

05 OCAK 1994

Kūkaeans, known from Syriac authors; he relates, in long digressions, the echoes of their quarrels, the essential points of which are to be found in a brief survey published in *ZDMG*, suppl. iii/1, Wiesbaden 1977, 362 [see also NABAṬ. 2.].

In a very detailed study, Michel Tardieu sees the Harrānians as Platonists (cf. *Šābiens coraniques et "Šābiens... de Harran"*, in *JA*, cclxxiv [1986], 1-44), "in the academic sense of the term. Plato was the object of their study and the centre of the research activity of their school" (39). He refuses to describe them as "gnostics" since, according to him, "they were not philosophers by profession. But they utilised the philosophers, and Plato in particular" (*ibid.*). He bases his argument on a statement by al-Mas'ūdī (*Murūdj*, ed. Pellat, ii, Paris 1965, 536-7, § 1395; cf. also his *K. al-Tanbih wa 'l-iḡrāf*, 162, tr. 3-5), declaring that he "saw at Harrān, on the knocker of the door of the meeting-place of the Šābians, an inscription in Syriac characters, drawn from Plato", which read as "He who knows his nature becomes a god" and "Man is a celestial plant. In fact, man resembles an upturned tree, the root being turned towards the sky and branches [sunk] in the ground" (Tardieu, 13 ff.). He sees, in the first "an echo of *Alcibiades*, 133.C" and, in the second, "a reminiscence" of *Timaeus*, 90 A.7-B.2 (cf. ref. 3, n. 8 and 14). It may be noted that echoes of these quotations are to be found in the literature of the "Sayings of the Sages" (*Placita philosophorum*) and that the quotation from the *Timaeus* occurs twice in the *Nabataean agriculture* (i, 360). There is no evidence to indicate that the Nabataeans of the region of Sūrā were Platonists; it has been observed that various currents of a gnostic tendency had developed there.

At the end of this extremely erudite survey, the author identifies the *šābi*<sup>3</sup> of the Ḳur<sup>2</sup>ān with the "Archontics" of Epiphanius (*Haer.*, xxix, 7, xl, 1, 5), known also by the name of "Stratiotics" (Epiphanius, *ibid.*, xxvi, 3, 7), followers of the "celestial bands", a Judaeo-Christian sect of gnostic character, formed in Palestine and known in Egypt (*ibid.*, xl, 1, 8) and in Arabia (*ibid.*, xl, 1, 5). The Ḳur<sup>2</sup>ānic term would be derived from the Hebrew *šābā*, "army" (an explanation already proposed by E. Pococke). Such an association leads the discussion back to Judaeo-Christian circles, among whom the Elchasaites/*mughū tasila* provide, in the present writer's opinion, the best explanation of the Ḳur<sup>2</sup>ānic *šābi*<sup>3</sup>.

Thus, whatever may be the origin of the name of the *šābi*<sup>3</sup>, the latter are shown to belong to two distinct groups: on the one hand, the disciples of Judaeo-Christian baptising sects (Ebionites, Elchasaites, *mughūtasila*, Stratiotics) and, on the other, Harrānian astrolators, the last representatives of decadent Greco-Roman paganism. Both groups may be described as gnostic: the first, Christian and the second, pagan. Hence the ambiguity of the term denoting them, and the diversity of commentaries relating to the three Ḳur<sup>2</sup>ānic verses which name them. A degree of corruption has occurred over the centuries, both in the terminology and the concepts, and this has greatly hindered the task of the historian of ideas and of religions.

*Bibliography*: Besides the references in the text, see, for studies and sources in general: D.A. Chwolsohn, *Die Ssabier und der Ssabismus*, i-ii, St. Petersburg 1856, where the bibliography of previous works is to be found; J. Hjärpe, *Analyse critique des traditions arabes sur les Sabéens Harraniens*, typescript thesis, Uppsala 1972, pp. 187, including the remainder of the bibl. F. de Blois, cited in text,

has made a selection of important studies of the subject, of which the most recent are: C. Buck, *The identity of the Šābi<sup>3</sup>ūn: an historical quest*, in *MW*, lxxix (1984), 172-86, and M. Tardieu, cited in text.

In addition to his study of Elchasai, cited in text, mention should be made of A.J.W. Brandt's *Die jüdischen Baptisten*, Giessen 1910; J. Thomas, *Le mouvement baptiste en Palestine et Syrie*, Gembloux 1935 (diss. theol. Louvain, ii, 28); M. Simon, *Sur deux points de contact entre le christianisme et l'Islam*, in *Iranica*, iii (1965), 20-7; H. Zimmern, *Nazoräer*, in *ZDMG*, lxxiv (1920), 429-38; B. Gärtner, *Die rätselhaften Termini Nazoräer und Iskarjot*, Uppsala-Lund 1957 (*Horae Soederblomianae*); G. Widengren, *Réflexions sur le baptême dans la chrétienté syriaque*, in *Paganisme, Judaïsme, Christianisme* (= *Mél. M. Simon*), Paris 1978, 347-57; J.-D. Kaestli, *L'utilisation des actes apocryphes des Apôtres dans le manichéisme*, *apud* M. Krause (ed.), *Gnosis and gnosticism*, Leiden 1977, 207-16; see M. Tardieu, *Les livres sous le nom de Seth et les Séthiens de l'hérésiologie*, 204-10; M.J. Lagrange, *La gnose biblique et la tradition évangélique*, in *RB*, xxxvi (1927), 321-49; 481-515; 37/1928, 3-6; the same, *L'Evangile selon les Hébreux*, in *RB*, ii (1922), 161-81; 1923, 322-49; J. Daniélou, *Théologie du judéo-Christianisme*, Paris 1958; I. Goldziher, *Neuplatonische und gnostische Elemente im Ḥadī*, in *ZA*, xxii (1909), 317-44.

Of the works of R. Macuch, the specialist on the Mandaeans, see his bibl. in *Histoire des Religions*, ii, Paris 1972, 520-2, and see K. Rudolph, ch. on the Mandaeans in *Die Religionen Altsyriens, Altarabiens und der Mandäer*, Stuttgart 1979, 403-62. On Manichaeism, see the excellent synthesis of H.-Ch. Puech, in *Histoire des Religions*, ii, 523-45 (bibl., 636-45); Seston, *Le roi sassanide Narsès, les Arabes et le manichéisme*, in *Mélanges R. Dussaud*, Paris 1939, 227-34 (= *BAH*, xxx); on *zandaqa*, see the study by G. Vajda, *Les zindiqs en pays d'Islam au début de la période abbasside*, in *RSO*, xvii (1938), 173-229, supplemented by that of F. Gabrieli, *La "zandaqa" au I<sup>er</sup> siècle abbasside*, in Cl. Cahen (ed.), *L'élaboration de l'Islam*, Symposium of St. Erasmus (12-14 June 1959), Paris 1961, 23-38; L. Massignon, *Inventaire de la littérature hermétique arabe*, appx. iii, *apud* Festugière, *La révélation d'Hermès Trismégiste*, i<sup>3</sup>, Paris 1950; Y. Marquet, *Sabéens et Ikhwān al-Šafā<sup>3</sup>*, in *SI*, xxiv (1966), 35 ff.; G. Monnot, *Sabéens et idolâtres selon 'Abd al-Jabbār*, in *MIDEO*, xii (1974), 13-43; 'Abd al-Razzāq al-Ḥasanī, *al-Šābi<sup>3</sup>ūn fī ḥādīthihim wa-mādīhim*, Ṣaydā 1955, Beirut 1958, 128 pp.

(T. FAHD)

AL-ŞĀBIḲŪN (A.), lit. "foregoers": a term occasionally applied in Shī'ism to the Prophet, Imāms, and Fāṭima in recognition of their status as pre-existent beings and the first of God's creatures to respond to the demand "Am I not your Lord?" (*a-lastu bi-rabbikum?*). The term derives primarily from Ḳur<sup>2</sup>ān, LVI, 10-11 (*wa 'l-šābiḳūn al-šābiḳūn ulā'ika 'l-muḳarrībūn*); there are also examples of verbal usage (e.g. "how could we not be superior to the angels, since we preceded them (*sabaknāhum*) in knowledge of our Lord?" al-Kirmānī, *Mubīn*, i, 304). The Shī'ī concept of pre-existence closely parallels Sūfī theories concerning the Nūr Muḥammadī [q.v.] and the pre-eternal Covenant. Justification for the doctrine is found in numerous *akḥbār*, where a variety of details, many of them contradictory, are given concerning the series of events preceding the creation.

The theme of light is central to many of these traditions. Thus, "God created us from the light of his greatness" (al-Kulaynī, *Kitāb al-Ḥudūdja*, bāb 94, p.

2  
678-679

D2 OCAK 1995

Modèle  
spécial  
style

## CHAPTER ONE

## THE EXCELLENCE OF PRECEDENCE

The term *sābiqa* (or *sabq*; less frequently *qadam*), meaning “precedence” in general and, more specifically, “precedence in submission and service to Islam,” was a key concept in the early socio-political history of Islam, invoked to “rank” the faithful according to their excellences. In addition to early conversion, precedence in emigrating for the sake of Islam (both to Abyssinia and to Madina) and in participation in the early battles of Islam conferred great merit. The two concepts of “precedences” (*sawābiq*) and “merits” or “excellences” (*fadā'il*) became conjoined to create a paradigm of the most excellent leadership. Such a paradigm finds scriptural sanction in Qur'ānic verses such as “God is satisfied with those who preceded foremost (*al-sābiqūn al-awwalūn*) from among the Muhājirūn and the Anṣār and those who followed them in charity and they are pleased with Him, and He has prepared for them gardens, below which flow rivers, where they will dwell forever; that is the great victory;” (Sūrat al-Tawba, 9:100); “Those who precede(d) are the ones who precede (*al-sābiqūn al-sābiqūn*); they are those who will be brought near [to God] in the gardens of bliss” (Sūrat al-Wāqī'a, 56:10–12); “Those among you who spent and fought before the victory are not of the same rank [as others], but greater in rank than those who spent and fought afterwards” (Sūrat al-Ḥadīd, 57:10); and “Those who believed and emigrated and struggled in the path of God with their property and selves are of a higher status (*a'zamu darajatan*) before God and they are the victorious ones” (Sūrat al-Tawba, 9:20).

The above verses are quoted in both Sunnī and Shī'ī sources in support of a divinely mandated hierarchy of moral excellence in Islam. Sunnī sources uniformly assign the greatest excellence to the Prophet's Companions from among the Muhājirūn and the Anṣār, and also recognize a certain order of precedence among them. Early conversion to Islam was the principal constituent of *sābiqa*. In his influential *ṭabaqa* work arranged according to the principle of *sābiqa*,<sup>1</sup>

Ibn Sa'd takes special note of the earliest [Makkan] Muslims, who secretly accepted Islam before Muḥammad entered the house of Arqam in roughly 616 CE;<sup>2</sup> their merit in doing so is occasionally highlighted by the application of the phrase *qadīm al-islām* to them.<sup>3</sup> Among the Madinan Muslims, the pride of place goes to the twelve men (*al-nuqabā'*) who took the first pledge at 'Aqaba in 621 CE, during which they expressed their fealty to Islam.<sup>4</sup> They were followed by seventy men and women from among the Anṣār who took the second pledge at 'Aqaba the following year.<sup>5</sup> The Shāfi'ī exegete and jurist al-Bayḍāwī (d. 685/1286 or 692/1293; other death dates given) includes those Anṣāris who took both the first and second pledges of 'Aqaba among the *sābiqūn* referred to in Qur'ān 9:100.<sup>6</sup>

The watershed event in Islam's early history is, of course, the *hijra*, the emigration of the Prophet Muḥammad to Madina in 1/622. In practically all the sources dealing with this early period, participation in the *hijra* demarcates the *ahl al-sābiqa*, those possessing precedence, from the rest. On account of their early conversion to Islam and the grievous trials to which they were subjected, culminating in emigration to and exile in Madina—all of which affirmed their *sābiqa* and *fadā'il*—the Muhājirūn came to be almost universally recognized as constituting the first rank of Muslims, and thus entitled to their reward both in this world and the hereafter. Sūrat al-Naḥl, verse 16:41, promises them, “As for those who emigrated for the sake of God after having been persecuted, We will provide them with a fine abode in this life; yet better still is the reward of the life to come, if they but knew it.” The “lesser” *hijra*, that is the emigration to Abyssinia in ca. 615 CE, also earned great merit for those who

Significance,” in *The Book in the Islamic World: The Written Word and Communication in the Middle East*, ed. George N. Atiyeh (New York, 1995), 97–99, where she discusses the arrangement of Ibn Sa'd's *ṭabaqa* work according to the critical criterion of *sābiqa*.

<sup>2</sup> See, for example, the entries for 'Ubayda b. al-Ḥārith, 'Uthmān b. 'Affān, 'Abd Allāh b. Jahsh, etc., in Ibn Sa'd, *Ṭabaqāt*, 3:37, 40, 65, respectively. For the Dār Arqam, see *ibid.*, 3:183–84.

<sup>3</sup> *Ibid.*, 3:40, 72, etc.; cf. Miklos Muranyi, *Die Prophetengenossen in der frühislamischen Geschichte* (Bonn, 1973), 35. Even the difference of an hour in submission between two Companions has been noted by Ibn Sa'd in his *Ṭabaqāt*, 3:454.

<sup>4</sup> *Ṭabaqāt*, 3:452–70.

<sup>5</sup> *Ibid.*, 3:321, 454, for example. According to Ibn Ishāq, the 'Aqabiyyūn consisted of seventy-three men and two women and the pledge took place in a ravine in 'Aqaba; see Ibn Hishām, *al-Sira al-nabawiyya*, ed. Suhayl Zakkār (Beirut, 1412/1992), 1:299–300. See also *EP*, art. “Ṣaḥāba,” 8:828. For al-'Aqaba, see *EP*, s.v., 1:314.

<sup>6</sup> *Anwār al-tanzil wa-asrār al-ta'wīl* (Beirut, 1408/1988), 1:419.

<sup>1</sup> See Wadād al-Qāḍī, “Biographical Dictionaries: Inner Structure and Cultural

21 NISAN